



علم

رفتار سلول طبیعی و سلول سرطانی روی دور خوش شانس

خشونت خانوادگی

مهاجرت گسترده ایرانیان در سال‌های اخیر به خارج از کشور شرایط تازه‌ای را در ساختار خانواده مهاجر ایجاد کرده است که در همه جوانب زندگی خانوادگی، از جمله بر نحوه و میزان بروز رفتارهای ناهنجار در میان زن و مرد و فرزندان آنها تاثیر گذاشته است. برای مثال این شرایط هرچند در موارد زیادی از شدت و دامنه خشونت عاطفی و جسمانی در خانواده کاسته است اما هنوز به شکل معضل جدی وجود دارد و نوع تازه‌ای از فشار روحی را در خانواده به‌وجود آورده است. یک نمونه گسترده‌تر از این نوع خشونت وابستگی اقامت یک طرف به دیگری است: برخی مردان ایرانی از وضعیت اقامتی خود برای وارد کردن فشار روحی بر زن استفاده می‌کنند. مهاجرت خانواده‌های ایرانی را می‌توان صرف‌نظر از دلیل مهاجرت آنها به چند گروه تقسیم کرد که از جمله سه گروه شاخص‌تر از این قرار هستند: مرد همراه با همسر و فرزندان خود مهاجرت کرده است؛ در این حالت چون خانواده وارد دنیایی ناشناخته شده است و تلاش دارد امکانات زیستی تازه‌ای را برای خود در ماه‌های اولیه مهاجرت فراهم کند، زن و مرد با یکدیگر درگیری جدی پیدا نمی‌کنند؛ در ماه‌های اول مهاجرت خشونت در خانواده کمتر است مگر به شکل آزارهای جنسی که آن هم احتمالاً مسئله‌ای سابقه‌دار بوده است. طی اولین سال‌ها که همان سال‌های انتظار برای گرفتن اجازه اقامت و کار است درگیری‌های درون خانه افزایش می‌یابد و فشارهای عصبی و تنهایی به شکل رفتارهای خشونت‌بار خود را نشان می‌دهد. متهم کردن یکدیگر به عنوان مسبب شرایط تازه، خشمی را پدید می‌آورد که یا به شکل رفتارهای خشن خود را نشان می‌دهد و یا به افسردگی و ناراحتی‌های روحی دیگر می‌انجامد. البته حضور دائم زن و مرد در خانه و در شرایط

زیستی نامطلوب نیز بر شدت مشکلات می‌افزاید. در همین سال‌هاست که زنان درمی‌یابند که می‌توانند به پشتوانه قانون و عرف جامعه از خود در بروز خشونت از سوی مرد اقدام کنند، اما معمولاً آنجا پیش می‌روند که با ارزش‌های آنها تناقض نداشته باشد. در موارد زیادی زنانی که مورد آزار جسمی قرار می‌گیرند حاضر نیستند که مسئولان را مطلع کنند و این موضوع را نه تنها برای خانواده بلکه برای خود نیز یک تنگ تلفی می‌کنند. برخی مردان هم با آگاهی از این موضوع با اطمینان خاطر بیشتری دست به خشونت می‌زنند. حتی اگر اقدام علیه مرد با نظام ارزشی زن تناقضی هم نداشته باشد و اعتمادبه‌نفس او در محیط تازه نیز افزایش یافته باشد، آماج‌گیری روحی و روانی او برای مقابله با رفتار خشونت‌آمیز مرد عامل تعیین‌کننده مهمی است. خشونت‌هایی که به شکل‌های مختلف جسمی و روحی طی سالیان متمادی بر زن روا شده است، شرایط روحی را برای او به‌وجود آورده است که معمولاً قادر به تصمیم‌گیری و اقدام جدی نیست. گروه دوم زنانی هستند که به دلیل مشکلات خانوادگی به تنهایی و یا با فرزندانشان به مهاجرت تن داده‌اند. آنها معمولاً برای اینکه بتوانند از کشور خارج شوند و اجازه شوهر را هم داشته باشند، علت اصلی مهاجرت را پنهان نگاه می‌دارند. همسران این گروه از زنان هم معمولاً به طمع دستپایی به امکانات اقامتی در کشوری دیگر با خروج آنها موافقت می‌کنند. استفاده از بچه‌ها به عنوان عامل فشار از سوی مرد، زن را دچار عذاب وجدان می‌کند و سردرگمی تازه‌ای را برای او به بار می‌آورد: ترس، اضطراب و افسردگی از عوارض رفتارهای خشونت‌آمیز در ایران است که تا مدت‌ها زنان را در محیط تازه عذاب می‌دهد. به این ترتیب اعمال خشونت و فشار در خانواده از راه دور هم امکان‌پذیر است.

گروه دیگر زنان مهاجر ایرانی که مورد خشونت خانوادگی قرار می‌گیرند تازه‌عروسانی هستند که به همسرشان در خارج از کشور ملحق می‌شوند. این زنان با همسرانشان را هرگز ندیده‌اند و یا در دیداری کوتاه و بدون شناختی درست تصمیم به ازدواج گرفته‌اند. در بسیاری از اینگونه ازدواج‌ها، تصویری که این مردان از زندگی خود در خارج از کشور ترسیم می‌کنند با واقعیت تطبیق ندارد. پس اولین تجربه این گروه از زنان در مهاجرت نه تنها رودررویی با شرایط جدید کشور میزبان است بلکه رودررویی با مردی است که با انتظارات آنها کاملاً تفاوت دارد. در این شرایط، این گروه از مردان معمولاً به عنوان تنها منبع اطلاعاتی زن، او را محدود می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که دنیای جدید و امکاناتش را بشناسد. این در حالی است که مرد گاه به‌طور دائمی زن را تهدید می‌کند که می‌تواند او را از داشتن مزیت اقامت سلب کرده و به ایران بازگرداند. تحقیر زنان در این دوره در بی‌پناهی کامل آنها صورت می‌گیرد. اطلاعات آنها در محیط تازه از سر داده‌اند؛ آنها را در وضعیت حمایت خانواده که می‌توانست به زن کمک کند، وجود ندارد و گاه حتی تماس آنها با خانواده‌شان هم تحت کنترل مرد صورت می‌گیرد؛ زنان برای خروج از خانه با محدودیت روبه‌رو می‌شوند، یادگیری زبان دشمن می‌شود و به لحاظ مالی تحت فشار گذاشته می‌شوند. به این ترتیب هر گونه حرکت مستقل آنها محدود و یا ناممکن می‌شود. دستپایی زنان در این شرایط به خانه‌های امن زنان و یا حمایت‌های قانونی نیز به دلیل عدم اطلاع و ترس آنها صورت نمی‌گیرد. فشارهای وارده بر این گروه از زنان و سرخوردگی و یأس از رسیدن به رویایی که در سر داشته‌اند، آنها را در وضعیت روحی قرار می‌دهد که مراجعه به مشاور و دریافت درمان‌های روانی را ضروری می‌کند. اما از آنجا که این کار هم می‌باید تحت نظر شوهر صورت بگیرد پس با ناممکن می‌شود و یا نتیجه لازم را نمی‌دهد. گروه دیگر مهاجران، مردانی هستند که برای اقامت به تنهایی و بدون همسرانشان به خارج از کشور آمده‌اند. در این موارد معمولاً تا ملحق شدن زن و فرزندان به مرد زمان زیادی طول می‌کشد و سال‌های دراز دوری برقراری ارتباط میان آنها را دشوار می‌کند.

منبع : **بی‌بی‌سی**

گفتارها

رستوران‌های ایرانی، چلوکبابی‌ها، کلدپزی‌ها،

فروشگاه‌های سرشار از مواد غذایی ایرانی و حتی برخی سینماها

با اگران فیلم‌های فارسی‌زبان تا حدی غم غربت را از دل هموطنان دور از دیار مادری می‌زداید. حتی در کیوسک‌های روزنامه‌فروشی نیز مجلات فارسی‌زبان حال و هوای ایران را زنده می‌کنند. خیابان‌های لس‌آنجلس و نیویورک مملو از هموطنانی است که به‌رغم تسلط کامل به زبان شیرین مادری، از تکلم با آن خودداری می‌کنند. در آمریکا حتی کانال‌های تلویزیونی و رادیویی نیز به زبان فارسی وجود دارند که اغلب با استقبال جامعه ایرانیان مقیم آمریکا مواجه هستند.

مهاجرت ایرانیان به آمریکا تقریباً بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۷ آغاز شد. لیکن با پیروزی انقلاب اسلامی سیل مهاجرت به این کشور افزایش پیدا کرد و در این میان افرادی زیادی به‌عنوان پناهنده سیاسی در این کشور اقامت گرفتند. بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ سالانه‌نزدیک به ۱۰۰ هزار ایرانی به این کشور مهاجرت کردند. براساس آمار در سال ۱۹۶۵ فقط ۱۵ هزار ایرانی در ایالات متحده اقامت داشته‌اند که این تعداد در سال ۱۹۸۰ به ۱۲۱ هزار و در سال

۲۰۰۰ به یک میلیون نفر افزایش پیدا کرد. هم‌اکنون نیز قریب به دو میلیون ایرانی سکنه آمریکا هستند. در میان این مهاجرین مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان زیادی بودند، لیکن درصد مهاجرت ایرانیان یهودی به آمریکا زیاد بود. در سال ۱۹۷۹ حدود دو تا سه میلیون یهودی ایران را ترک کردند که نزدیک به یک سوم این تعداد وارد آمریکا شدند. در سال ۱۹۸۷ حدود۵۵هزار یهودی در لس‌آنجلس و نیویورک ساکن بوده‌اند که تا سال ۱۹۹۲، ۳۵ هزار نفر به جمعیت آنان افزوده شد. هم‌اکنون یهودیان ایرانی مقیم لس‌آنجلس بزرگترین جامعه ایرانی این منطقه را تشکیل می‌دهند.

با این وجود دین اکثریت جوامع ایرانی مقیم آمریکا اسلام است. مسلمانان ایرانی نیز مراسم مذهبی– ملی خود را کماتکان برقرار می‌کنند و به آن پایبند هستند، ازجمله ماه محرم که برنامه‌هایی چون تعزیه، روضه و نذری دادن در مساجد و انجمن‌های اسلامی برقرار است. از دیگر مسائل ایرانیان مسلمان مصرف غذاهای شرعی است که به وفور در رستوران‌ها و فروشگاه‌های علی‌الخصوص فروشگاه‌عرب‌هایافت می‌شود. به‌عنوان مثال در شهرهایی که تعداد ایرانیان زیاد است ازجمله لس‌آنجلس، نیویورک و . . . بر سر در برخی مغازه‌ها به سه زبان انگلیسی، اسپانیولی و عربی نوشته شده: گوشت ذبح اسلامی موجود است. مسئله حجاب زنان نیز مقوله‌ای قابل بحث است. در آمریکا زنان به راحتی می‌توانند طبق شئونات

سابقه اولین مهاجرت به آمریکا به سال‌ها پیش می‌رسد. در سال ۱۴۹۲ کریستف کلمب اسپانیایی، قاره آمریکا با جمعیت یک و نیم میلیون را کشف کرد. او آن منطقه راایندیانان و اهالی آن که در همان سرخپوشان و اولین ساکنان این قاره بودند ایندیانایی نام نهاد. با کشف این قاره جدید و اخبار مساعدی که به گوش می‌رسید؛ مهاجرت از اروپا علی‌الخصوص از کشورهای انگلیس و هلند به سوی آمریکا افزایش یافت. مسائلی چون پیشرفت اقتصادی، آزادی مذهبی و اجتماعی از جمله مواردی بود که این کشور را کعبه آمال بسیاری از مردم دنیا ساخت. به گونه‌ای که بین سال‌های ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۴ سیل مهاجرین به این کشور سرازیر شد. از طرفی عدم سازش مهاجرین اروپایی با سرخپوست‌ها باعث ایجاد فقر و تنگدستی و عدم وجود امنیت در این قیابلی شد و کم‌کم منجر به فروپاشی قبیله‌ها و از بین رفتن آداب و سنن این مردم و حتی زبان آنان شد. هم‌اکنون فقط ۲/۸ میلیون سرخپوست یا ایندیانایی در آمریکا وجود دارد که حدوداً یک درصد از جمعیت کل این کشور را تشکیل می‌دهند. با افزایش مهاجرت، دولت فدرال بر آن شد تا وضعیت ورود به این کشور را تحت کنترل بیشتری قرار دهد. کنگره آمریکا در سال ۱۹۲۴ قانونی وضع کرد که براساس آن تعداد مهاجرین هر کشور به این سرزمین حد مشخصی داشته باشد. به عبارت دیگر میزان پذیرش مهاجر از هر کشور وابسته به تعداد مهاجرینی بود که از کشور فوق‌الذکر به آمریکانقل مکان کرده بودند. با وجود این قانون بین سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۷۹ حدود۴۹ میلیون مهاجر وارد آمریکا شدند. قانون حد مهاجرت تا سال ۱۹۷۸ ادامه داشت. لکن با لغو این قانون سیل مهاجران باز هم به این کشور سرازیر گشت. آمار نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۱ تعداد مهاجرین از

سال۳۷۰هزار نفر به یک میلیون و هشتصد هزار نفر رسید. به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۰ قانونی وضع شد که براساس آن دولت فدرال سالانه ۶۷۵ هزار مهاجر متخصص که دارای خویشاوند درجه یک در آمریکا باشند، می‌پذیرد. لیکن این آمار تعداد افرادی را نشان می‌داد که به صورت قانونی و گذراندن مراحل و با ارائه مدارک لازم به در این کشور سکنی گزیده‌اند. براساس آماری که از مهاجرین کشور آمریکا تهیه



مراقب گوشی تلفن باشید دکتر رفتن هنر است

دانشی و زندگی

جامعه

مهاجرت ایرانیان به آمریکا

نوشین غبرائی



اسلامی حجاب خود را رعایت کنند و در انتظار نیز ظاهر شوند، اما در کل این کشور زنی با حجاب چادر دیده نمی‌شود زیرا این پوشش در آمریکا متداول نیست و زنان مسلمان ترجیح می‌دهند به طرز دیگر حجاب خود را رعایت کنند. ایرانیان مقیم آمریکا اکثراً مراسم ازدواج را طبق آداب و رسوم ایرانی و مطابق با شرع انجام می‌دهند و بسیار به آن پایبند هستند. اما مسئله قوام و دوام زندگی در این کشور کمی قابل تأمل است. در آمریکا برخلاف ایران پایه‌خانواده‌ها کمی مست‌تر است و پدر به‌عنوان محور اصلی خانواده محسوب نمی‌شود. فرزندندان پس از طی دوره نوجوانی به راحتی از حمایت خانواده خارج می‌شوند و به راحتی برای خود تصمیم می‌گیرند و از والدین خود دور می‌شوند. در عین حال مدارب را به دلیل مشغله و کار خارج از منزل کنترل کمتری روی فرزندان دارند. براساس آمار سال ۱۹۹۰ حدود۴۸ درصد از زنان ایرانی مقیم لس‌آنجلس در مشاغلی چون استاد دانشگاه، پزشک متخصص، وکیل و تاجر مشغول به کار هستند و از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار. در حالی که در آمار سال ۱۹۸۰ فقط ۲۷ درصد از این زنان دارای شغل بوده‌اند. بسیاری از زنان ایرانی مقیم ایالات متحده با مشکلات خانوادگی و اعمال خشونت روبه‌رو هستند و این افراد تمایل زیادی به بازگشت به ایران دارند. درمیان ایرانیانی که در ایالات متحده اقامت دارند نزدیک به ۳۰ درصد در سال‌های ۱۹۸۰ به قصد تحصیل به این کشور وارد شده‌اند.

فرزندانی ایرانی در آمریکا

آمریکا؛ کشوری با دروازه‌های طلایی

شده است ۸۹ درصد آنان در کشور دیگری متولد شده‌اند، ۸۴ درصد آنان به زبان انگلیسی آشنایی دارند، ۸۳ درصد از این سکنه جسمانی برخوردارند، ۸۱ درصد مالیات پرداخت می‌کنند، ۶۷ درصد بیش از ۵ سال در این کشور اقامت دارند و ۵۶ درصد این مهاجرین به صورت غیرقانونی به این کشور وارد شده‌اند. مشکل اساسی ایالات متحده افزایش روزافزون مهاجران غیرقانونی و یا به گفته خود آمریکایی‌ها خارجی‌های غیرقانونی است که تعداد آنان تاکنون به ۱۱ میلیون نفر رسیده است. ملیت اکثر این مهاجرین غیرقانونی مکزیکی است. پس از آن آسیایی‌ها که در راس آن چینی‌ها قرار دارند. سپس از آن مهاجرین آفریقایی که به طرز غیرقانونی در این کشور زندگی می‌کنند در رده سوم قرار دارند. مکزیکی‌ها از طریق مرز با آمریکا به این کشور وارد می‌شوند و مشکلاتی که توسط این گروه از مهاجرین در جامعه آمریکا ایجاد می‌شود بسیار جدی است. مکزیکی‌ها کارگرانی ساده و پرکارند که در کنار سخت‌ترین کارها را با حداقل حقوق انجام می‌دهند. در کنار

آمار جرم و جنایت‌ها و مصرف و پخش مواد مخدر توسط مکزیکی‌ها در آمریکا بسیار زیاد است. از سوی دیگر به دلیل دستمزد کمی که دارند بسیاری از صاحبان مشاغل ترجیح می‌دهند که از این ملیت کارگر انتخاب کنند و بنا بر این لیست انتظار به کار این مراکز اشتغال‌زا مملو از اسم افرادی است که ساکن قانونی این کشور محسوب می‌شوند. مهاجرین غیرقانونی آسیایی که در صدر آنها چینی‌ها نیز در این کشور کم نیستند. حدوداً ۱۰ میلیون آسیایی در این کشور ساکنند که تعداد قابل توجهی از آنان به صورت غیرقانونی در این کشور اقامت دارند و اغلب در مناطق کالیفرنیا و هاوایی مشغول به کار هستند. این افراد نیز به دلیل کار زیاد و دریافت دستمزد حداقل، بازار کار جوانان تبعه این کشور را به کلی دگرگون کرده‌اند. آفریقایی‌ها نیز نسبتاً مهاجران قدیمی‌تری هستند. آنان در زمان برده‌داری به آمریکا راه باز کردند و با منع قانون برده‌داری در آوریل سال ۱۸۶۱ آزادی خود را به دست آوردند؛ لیکن هنوز از لحاظ مرتبه اجتماعی در سطح بسیار پایینی قرار داشتند. امروزه آفریقایی‌الاصل‌هایی که به‌صورت قانونی در این کشور به‌سر می‌زنند نسبتاً وضع بهتری دارند. لیکن سیاهپوستانی که به عنوان مهاجر غیرقانونی در این کشور



خانه

کتاب‌ها هم به نگهداری نیازمندند افزایش خودکشی در فصل بهار

می‌کنند. پس ایرانیان مقیم آمریکا با صرفنظر از ارتباطات سیاسی، در سطح خوبی از اجتماع آمریکا زندگی می‌کنند. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۳ در امتحان استنفورد ۱۵ ایرانی فارغ‌التحصیل برق دانشگاه شریف موفق شده و به دوره دکترا راه پیدا کردند. بر اساس آمارگیری جرج سباغ و مهدی بزرگمهر، وضعیت اقتصادی و وجهه اجتماعی اغلب ایرانیان شهر لس‌آنجلس در رده‌های بالایی قرار دارد. ایرانیان در تمام ایالت‌های این کشور مستقر هستند لیکن شهرهای نیویورک و لس‌آنجلس بزرگترین پایگاه ایرانیان در این کشور است و جالب‌نوجه اینکه منطقه اورنج کانتی واقع در شهر لس‌آنجلس شهرت ویژه‌ای را داراست. متأسفانه به‌رغم تمامی موفقیت‌های اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی ایرانیان در اجتماع و برتری نسبت به مهاجران سایر کشورها، به زبان مادری صحبت نمی‌کنند و حتی سعی در مخفی کردن ملیت خود دارند. پیش از پیروزی انقلاب، کشور ایران به‌عنوان مخزن نفت و کشور ثروت در دنیا معرفی شده بود. با پیروزی انقلاب و دستگیری ۵۲ آمریکایی در سفارت آمریکا در سال

فرزندانی ایرانی در آمریکا

۱۹۷۹، وجهه ایرانیان کمی خدشه‌دار شد و تبلیغات گسترده‌ای در مقابله با این کشور شروع شد. این تبلیغات از مرزهای سیاسی هم عبور کرد و به فرهنگ آمریکایی نیز منتقل شد. به گونه‌ای که حتی در فیلم‌ها و کارتون‌ها نیز ایرانیان را افرادی خشکه مقدس، یک‌بعدی و با خصوصیت بربرها معرفی می‌کنند.

به همین دلیل نیز تعدادی از ایرانیان که تعصب خاصی نسبت به خاک و آب خود نداشته‌اند به سوی فرهنگ غربی روی آوردند و به شیوه آمریکایی زندگی می‌کنند. از سوی دیگر نسل سنن ایرانی نیز که چشم‌پسته و بدون برنامه‌ریزی دقیق به دنیای فرزندانشان راهی دیار غربت شده‌اند با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. زیرا آنها اغلب زبان نمی‌دانند، در سنین بانزشتگی هستند و فرزندانشان وقتی را برای صرف کردن با این گروه سنی ندارند. به همین دلیل سالمندان ایرانی نیز در مراکز مشخصی اجتماعات گرم و متناسب با فرهنگ ایرانی تشکیل داده‌اند و با همسن و سال‌های خود سرگردان. این مراکز برنامه‌هایی چون مسافرت، برگزاری جشن‌ها و مراسم سنتی ایرانی و برنامه‌های تفریحی متناسب با سن و سال این افراد ترتیب می‌دهند. هم‌اکنون از حدود دو میلیون ایرانی مقیم آمریکا، ۷۰۰ هزار نفر در کالیفرنیا و ۱۰۰ هزار نفر در واشینگتن DC اقامت دارند و مابقی نیز در اجتماعات بزرگ و کوچک در دیگر ایالات اقامت دارند.

است و با افزایش این مهاجران آمار جرم و جنایت نیز بیشتر شده است. در سال ۱۹۸۲ دولت قانونی وضع کرد که براساس آن مهاجرینی که به صورت غیرقانونی وارد ایالات متحده شوند با طی چند مرحله قانونی به وضعیت اقامت خود جنبه رسمی و قانونی دهند. تا سال ۱۹۹۰ نیز حدوداً ۹۰۰ هزار نفر از این قانون سود بردند. طی چند هفته اخیر نظارت‌های علیه مهاجران غیرقانونی در شهرهای لس‌آنجلس، دالاس، سن دیگو، میامی و واشینگتن صورت گرفت و با افزایش نقاضای مهاجران و اعتراض مردم آمریکا به این وضعیت دولت فدرال درصدد حل مشکل به صورت ریشه‌ای و اصولی است. بوش رئیس جمهور آمریکا قول همکاری با کنگره را داده است تا این مسئله به راحتی حل شود. لیکن کنگره به قول بوش خوش‌بین نیست. در این میان ۸۱ درصد از مردم آمریکا طی اعتراضاتشان اعلام داشتند مهاجرت غیرقانونی خارج از کنترل بوش و کنگره است. ۶۱ درصد از آمریکایی‌ها این عمل را یک جرم می‌دانند و خواستار برخورد جدی و قانونی با آن هستند. سخنگوی کاخ سفید در این رابطه اعلام کرد: قوانین جدی را برای مبارزه با مهاجرت غیرقانونی در سال آینده پایه‌ریزی می‌کنیم. ری همچنین افزود: بخش اصلی نیروی ما در جهت مبارزه با ورود مکزیکی‌ها است، لیکن آغوش این کشور برای استقبال از مهاجران قانونی و نیروهای کار متخصص باز است. کنگره نیز اعلام کرد: برای مبارزه با این مقوله باید مرزهای این کشور کاملاً تحت نظارت گاردهای کشور آمریکا و بحرانی کردن شرایط این کشور است. این افراد به دلیل کار زیاد و دستمزد کمی که می‌گیرند، بازار کار ساکنین قانونی و شهرندان آمریکایی را کساد می‌کنند. پس آمار یکبارگی روز به روز افزایش پیدا می‌کند. این افراد به دلیل عدم پرداخت مالیات به سیستم اقتصادی کشور صدمه جدی وارد می‌کنند. با عدم پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی به سیستم بیمه کشور لطمه وارد می‌کنند و در هر مکانی که این گروه از افراد تجمع بیشتری دارند مشکلات نامبره بیشتر است. به عنوان مثال در ایالت کالیفرنیا تقریباً ۲/۵ میلیون مهاجر غیرقانونی وجود دارد که نسبت به دیگر ایالات تجمع آنان در این کشور به‌سر می‌زنند نسبتاً وضع بهتری دارند. لیکن است که مشکلات اجتماعی و اقتصادی این ایالت نیز بیشتر



زندگی می‌کنند در فقر و تنگدستی غوطه‌ور هستند و مدام در حال ارتکاب جرم و جنایت هستند. علاوه بر مسائل فوق‌الذکر یک نکته اساسی در بین افراد این سه ملیت و دیگر مهاجرین غیرقانونی مشترک است و آن صدمه زدن به پیکر کشور آمریکا و بحرانی کردن شرایط این کشور است. این افراد به دلیل کار زیاد و دستمزد کمی که می‌گیرند، بازار کار ساکنین قانونی و شهرندان آمریکایی را کساد می‌کنند. پس آمار یکبارگی روز به روز افزایش پیدا می‌کند. این افراد به دلیل عدم پرداخت مالیات به سیستم اقتصادی کشور صدمه جدی وارد می‌کنند. با عدم پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی به سیستم بیمه کشور لطمه وارد می‌کنند و در هر مکانی که این گروه از افراد تجمع بیشتری دارند مشکلات نامبره بیشتر است. به عنوان مثال در ایالت کالیفرنیا تقریباً ۲/۵ میلیون مهاجر غیرقانونی وجود دارد که نسبت به دیگر ایالات تجمع آنان در این کشور به‌سر می‌زنند نسبتاً وضع بهتری دارند. لیکن است که مشکلات اجتماعی و اقتصادی این ایالت نیز بیشتر

خبرها

مانع قانونی در مقابل دادخواهی ایرانیان آمریکا

بی‌بی سی : گفته می‌شود بیشتر کسانی که در بازداشت پلیس آمریکا هستند مورد آزار جسمی و روحی واقع می‌شوند. به دنبال طرح دعوی اتحادیه‌ای از انجمن‌های قومی و دینی ایرانی، عرب و پاکستانی علیه دادستانی کل آمریکا و اداره مهاجرت این کشور. وکلای دولت آمریکا از دادگاه فدرال لس‌آنجلس که به این پرونده رسیدگی می‌کند خواستند به دلیل نداشتن اختیار قانونی در زمینه مسائل مهاجرتی رسیدگی به این پرونده را مختومه اعلام کند. وکلای دولت آمریکا مدعی شدند که دادگاه فدرال لس‌آنجلس اختیار قانونی برای رسیدگی به نقاضای گروه‌های ایرانی، عرب و پاکستانی برای توقف اجرای مفاد قانون تازه اداره مهاجرت آمریکا را ندارد. اتحادیه‌ای از انجمن‌های ایرانیان، عرب‌ها و پاکستانی‌های مقیم آمریکا در دادخواستی علیه جان اشکرافت، دادستان کل آمریکا و مقامات اداره مهاجرت این کشور از دادگاه فدرال شهر لس‌آنجلس خواستند جلوی اجرای مفاد لایحه معروف به «وطن خواهی» و ضمامت آن را بگیرد و از بازداشت بیشتر شهروندان کشورهای اسلامی که برای ثبت حضورشان در آمریکا فراخوانده شده‌اند و اخراج کسانی که در حال حاضر در بازداشتند مناعت کنند. جرم بیشتر بازداشت‌شدگان نقص پرونده مهاجرتی آنهاست که به ادعای وکلایشان غالباً ناشی از تاخیرهای اداره مهاجرت است. دستگیری صدها ایرانی و عرب مقیم لس‌آنجلس، سن دیگو، اورنج کانتی و سان فرانسسکو و بازداشت آنها تحت شرایط بسیار ناساعد امواج اعتراض عمومی را علیه رفتار مقامات اداره مهاجرت آمریکا برانگیخت. به گفته وکلا و اعضای خانواده‌های دستگیرشدگان، بیشتر کسانی که یک تا چند روز در بازداشت پلیس کالیفرنیا باقی مانده‌اند مورد آزار جسمی و روحی واقع شده‌اند. جرم بیشتر این افراد نقص پرونده مهاجرتی آنها بوده که به ادعای وکلایشان غالباً ناشی از تأخیرهای اداره مهاجرت در رسیدگی به پرونده‌های متقاضیانی است که از کشورهای اسلامی به آمریکا آمده‌اند. وکلای دادستانی آمریکا در دادگاه رسیدگی به شکایت انجمن‌های قومی و دینی کشورهای اسلامی مدعی شدند که رسیدگی به بازداشت‌های اداره مهاجرت فقط در حوزه حق دیوان عالی کشور است و دادگاه فدرال لس‌آنجلس اختیار رسیدگی به آن را ندارد. وکلای دادستانی آمریکا می‌گویند که بر اساس قانون، ساکنان غیرمجاز ایالات متحده حق ماندن در خاک آمریکا را ندارند و اداره مهاجرت مجاز است آنها را تا زمان اخراج از کشور در بازداشت نگه دارد. به گفته این وکلا چون شاکیان پرونده، ادعای دادستانی در مورد اقامت غیرقانونی خودشان در آمریکا را رد نکرده‌اند پرونده خود به خود مختومه است. اما وکلای شاکیان پرونده می‌گویند تخلف‌های مهاجرتی موکلان آنها تنها ناشی از کندکاری ماموران اداره مهاجرت است و آنها مرتکب جرمی نشده‌اند. رسیدگی به این پرونده که قرار بود روز جمعه در دادگاه فدرال لس‌آنجلس ادامه یابد احتمالاً نیزنظر قاضی جدید به روز دیگری موکل خواهد شد. چهار گروه اصلی که در این پرونده علیه مقامات دولت آمریکا قامه دعوی کرده‌اند عبارتند از: اتحادیه ایرانی‌های آمریکا، شورای روابط اسلام و آمریکا، شورای ملی پاکستانی‌های آمریکا و کمیته مبارزه با تبعیض علیه عرب‌های آمریکا.

خوشی‌ها و آلام ازدواج ایرانیان با اروپائیان

بی‌بی‌سی : ازدواج زن و مرد از دو فرهنگ متفاوت، سواي پيچيدگي‌هاي آن در نظر قانون و اجتماع، براي زوج‌ها هم همراه با مسائل (مثبت و منفي) خاصی است که در ازدواج‌های دیگر دیده نمی‌شود. روند ادامه‌دار مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور باعث شده است که شمار ازدواج مردان و زنان ایرانی با شهروندان خارجی افزایش چشمگیری داشته باشد. با طوفانی از ازدواج عمر مهاجرت ایرانیان، ازدواج آنها با اروپايان به خصوص برای نسل دوم ایرانیان، موضوع غریبی نیست. اما ازدواج ایرانیان با آلمانی‌ها سابقه طولانی دارد و به سال‌های قبل انقلاب برمی‌گردد. در سال ۱۹۶۰ حدود ۳۷۰۰ ایرانی در آلمان زندگی می‌کردند. این گروه بیشتر دانشجو بودند. در میان این گروه تعداد زیادی با زنان آلمانی ازدواج کردند. در آن دوران تعداد زنان ایرانی در آلمان بسیار کمتر از مردان بود. زنان آلمانی در موقع اختلاف و جدایی از همسران ایرانی خود زمانی به وختش می‌افتد که بچه دارند. آنها می‌ترسند که مرد ایرانی فرزندانشان را با خود به ایران ببرد و آنها دیگر نتوانند بچه‌هاشان را ببینند. میزان رضایت ایرانیان از ازدواج با آلمانی‌ها بستگی به این دارد که کدام طرف آلمانی است، مرد یا زن. در تحقیق از ۴۰ جوان ایرانی، پسران با اینکه اغلب در فرانسه به دنیا آمده و یا در این کشور بزرگ شده‌اند، همسر ایرانی را ترجیح می‌دادند یعنی آنکه بتوانند دلیلی برای این خواسته خود عنوان کنند. اما دختران که اغلب همسر فرانسوی داشتند از رابطه‌شان راضی بودند. درمیان نسل اول ایرانیان، ازدواج با فرانسویان کمتر دیده می‌شود شمار زیادی از مردان ایرانی که همسر آلمانی دارند و حداقل ۱۰ سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد در پاسخ به این سؤال که ازدواج خود را چگونه می‌بینند، عمدتاً از کمبود گرمی و شور در زندگی شان شاکي بوده‌اند؛ آنچه که به نظر آنها در زندگی خانواده‌های ایرانی وجود دارد. اما بسیاری از آنها زندگی‌شان با آرام و برنامه ریزی شده توصیف کرده‌اند. ازدواج ایرانیان در کشورهای دیگر اروپایی با توجه به میزان تطابق آنها در جامعه و شرایط کشور میزبان در پذیرش و برخورد با خارجیان متفاوت است. مسئول انجمن عمر خیام بلژیک نیز در همین زمینه می‌گوید: دشوار است دلیل قطعی برای اختلافات خانوادگی در میان ایرانیانی که با بلژیکی‌ها ازدواج کرده‌اند، ارائه داد. انتظارات آنها از زندگی مشترک با هم متفاوت است. فردگرایی در میان بلژیکی‌ها بیشتر دیده می‌شود.